



شجاعت در تغییر مسیر

دکتر فریدالدین حداد عادل



۳. هنر موضوعیت دارد. در استیم به زیبایی و زیبایی‌شناختی بها داده شده است. این امر اتفاق مهمی است هر مقوله صنعتی حتماً باید زیبا و چشم‌نواز باشد. مثالش واضح است، طراحی بازی، کارخانه خودرو و وسایل منزل همه باید دل‌انگیز باشند. برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان نظام‌های آموزشی به امر زیبایی‌شناختی، در کنار دانش مهندسی و ریاضی و قدرت برخورداری از فناوری، اصول زیباسازی را هم به‌خوبی اضافه کردند.

۴. قابلیت اصلی در مدرسه‌های امروز داشتن «مهارت نرم» است. نظام آموزش جهانی امروز، نه تنها از دانش ریاضی و فیزیک و شیمی صرف فاصله گرفته است، بلکه از مهارت‌های سخت که شامل ابزاربندی‌های افراد بود عبور کرده است و برای حل مسائل جامعه به‌سوی برخورداری از مهارت‌های نرم حرکت کرده است. برخی از مهارت‌های نرم عبارت‌اند از: داشتن خلاقیت، توان همکاری، ارتباط مؤثر، داشتن تفکر اقتصادی، توان حل مسئله، قدرت برقراری ارتباط مؤثر، ارتقای سطح هوش هیجانی و توان سازگاری. از نکات جالب این است که متولیان این روش کلید بهبود شرایط پروژه‌های صنعتی را در ارتقای سطح توانمندی‌های شخصیتی افراد می‌دانند و به مکارم اخلاقی و بایستگی‌های رفتاری توجه دارند.

۵. اگرچه استیم دنبال حل مسئله پروژه‌های علمی است، اما از زیرساخت متناسب علوم اجتماعی نیز برخوردار است. نظریه یادگیری اجتماعی بخشی از مبانی نظری اجتماعی

در این شماره درباره مفهوم استیم در مدرسه و نظام آموزشی صحبت می‌کنیم. علاقه‌مندان به روش و مباحث آموزشی با انواع دیدگاه‌ها درباره استیم آشنا می‌شوند و شاید این چندصفحه برای برخی مجموعه‌ها آغاز تحول باشد!

«علوم، فناوری، مهندسی، هنر و ریاضی» پنج عنصری هستند که در قالب استیم کنار هم نشسته‌اند تا مسئله‌ای از مسائل جامعه حل شود. آنچه مهم است اینک:

۱. حل مسئله اولویت بخشی از نظام آموزشی است که در مواجهه با مشکلات دانشگاهی به فکر راه‌حلی در مدرسه افتاده است. یعنی طراحان این سبک می‌دانند که راه‌حل خیلی از گرفتاری‌های کلی علمی و فناوریانه جامعه را باید در مدرسه جست. برای این اتفاق، اسناد بالادستی لازم است فقط همراه باشند، اما نکته کلیدی، «اراده» مدیران برای یک چرخش عملیاتی است.

۲. اراده تغییر مسیر خیلی مهم است. متولیان نظام آموزشی در کلان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری وقتی متوجه شدند پروژه‌های بزرگ برای طراحی به الزاماتی از قبیل هنر، فهم فناوری و دانش ریاضی در آن واحد نیاز دارند، خودشان را معطل نکردند و به سرعت مبانی نظری نظام آموزشی اجرایی‌شدن یک تحول را آماده کردند. در سال ۲۰۰۱ بنیاد ملی علوم ایالت متحده آمریکا خودش این مدل از توجه به مسائل را رسماً تأیید کرد و مدرسه‌ها طبق ضوابط توانستند در این مسیر گام بردارند.



و بتواند جرئت خطر کردن و خلاقیت پیدا کند. اما این خلاقیت بی حساب و خارج از چارچوب انواع قواعد حاکم بر مدرسه و جامعه نیست.

۷. معلم همچنان محور همه چیز است. این معلم است که می تواند زمینه فعالیت در هر سبک و روشی را فراهم کند. اگر مدرسه، یعنی روحیه مدیر و کارکنان و معلمان با هر امری همسو نباشد، هیچ اتفاق خرد یا سترگی رخ نخواهد داد. ما نیازمندیم نظام تربیت معلمان را چنان سامان ببخشیم که معلمان بعد از فارغ التحصیلی بتوانند هر گونه نوآوری و خلاقیت و تحول را در مدرسه پذیرا باشند.

آنچه در این نوشتار آمد، شرح کلیدواژه های اساسی نظریه و سبک هستیم، همراه با نیمنگاهی به نظام آموزشی ایران بود. در صفحه های پیش رو، جزئیات دقیق تری را در این زمینه مطالعه خواهید کرد.

این اقدام است. به اختصار باید اشاره کنم، در این نظریه، آنچه شهروند موفق لازم است یاد گرفته باشد، از راه های گوناگون تأمین می شود که در آن ها تعاملات اجتماعی واقعی یا شبه واقعی تعلیم داده می شوند. یادگیری اجتماعی مستلزم تعامل اجتماعی دقیق و حساب شده و توان برقراری ارتباط بین فردی و بین گروهی مؤثر، مشاهده دقیق و حساب شده و قدرت تلفیق و تقلید و گرته برداری از موضوع های اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی است. در این نظریه، «شهروند» هر چه را خوانده باشد و هر شغلی داشته باشد، می تواند به سرعت و به خوبی به مسائل جدید ورود اثرگذار داشته باشد و در نهایت زندگی شهری پیشرفت ملموس پیدا می کند.

۶. «خلاقیت» کلیدواژه ای اساسی در استیم است. در مدرسه ابزارها و اقدامات و امکانات و برنامه ها به نوعی سامان داده می شوند که «کودک» خود را در معرض خلاقیت ببیند